



تبعات اقتصادی فرار مغزها

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴ IQ نزولی

۲۵ در فرار مغزها اولیم!

۲۶ ایران، محروم از دانش جهانی

۲۷ اپیدمی ۷۶ درصدی

۲۸ ناگفته‌های شنیدنی

۳۰ "زیرساخت‌هایمان خراب است"

## مغز ایرانی در کالبد غیر ایرانی

بهره‌برداری از توان علمی و ذاتی خود نمی‌یابند، راهی کشورهای دیگر می‌شوند که با وقوع این مسأله، علاوه بر آن که کشورمان از نظر تحریم علمی و تکنولوژیکی آسیب می‌بیند، به دلیل آن که نیروی انسانی توانمند خود را از دست می‌دهد، ابزار لازم را برای جبران آسیب‌های وارده ناشی از این گونه تحریم‌ها، در اختیار ندارد و از این منظر به یک عقب‌ماندگی تکنولوژیکی مضاعف دچار می‌شود که آثار منفی آن در بلندمدت، ضربات مهلکی بر اقتصاد و صنعت وارد می‌سازد.

### آغوش باز کانادا و آمریکا

تحقیقات بانک جهانی نشان می‌دهند که بیشترین حجم مهاجرت دسته‌جمعی ایرانیان به کشور کانادا صورت گرفته است، به طوری که رقم مربوط به آن در دهه جاری، با رشد ۱۴۲ درصدی مواجه بوده که هلف عمده آنها، یافتن شغلی مناسب‌تر با درآمد بهتر و همچنین ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و با کیفیت‌تر عنوان شده است. همچنین در ادامه این گزارش آمده است که پس از کانادا، مقصد دوم اقامت ایرانیان، کشور آمریکا است، چرا که پذیرش آمریکاییان از ایرانیان مهاجر در دهه حاضر، معادل ۵۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در این میان، باید به این نکته توجه داشت که کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته‌ای همچون آمریکا، در قیاس با دهه‌های قبل با درخواست مهاجرت افراد از کشورهای جهان سوم، به سختی موافقت می‌نمایند و تنها عامل سرمایه‌های مالی و نیروی نخبه و توانمند انسانی است که آنها را برای پذیرش متقاعد می‌سازد، لذا رشد این حجم مهاجرت به معنای فرار سرمایه مالی و انسانی متخصص از کشور است که در هر دو مورد، آسیب‌های شدیدی به اقتصاد کشورمان وارد می‌سازد.

### فقدان اراده‌ای مصمم برای کنترل خروج نخبگان، دردناک‌تر از کمبودهای جامعه برای تأمین آنان است.

تحت تأثیر قرار داده، تحریم‌هایی است که در سال‌های اخیر علیه کشورمان اعمال شده است. در کنار تمام نکات منفی که تحریم‌های تجاری و بازرگانی بر اقتصاد و صنعت کشور بر جای گذاشته، تحریم علمی و پژوهشی که چند سالی است کشورمان با آن مواجه شده، دلیل دیگری است که سبب شده نخبگان کشور، راه مهاجرت به کشورهای صاحب علم را در پیش بگیرند. همان‌طور که در حوزه‌های بازرگانی و اقتصاد، اثر تحریم کاملاً مشهود است، تبعات منفی تحریم در بُعد علمی نیز خودنمایی می‌کند و منجر به وارد آمدن فشارهای زیادی بر پیکره علمی کشورمان شده است. به دلیل وقوع تحریم، بسیاری از دانش‌پژوهان و نخبگان ایرانی که در داخل کشور زندگی می‌کنند، قادر به شرکت در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی نیستند. مقالات، مجلات و کتاب‌های بروز، آن طور که باید وارد کشور نمی‌شوند که البته این مسأله تنها یک بُعد قضیه است. بُعد دیگر این مسأله را باید در تأثیر مستقیم و منفی آن بر رشد و توسعه اقتصاد دانست. در حال حاضر به دلیل چنین تحریم‌هایی، کشورمان قادر به واردات تکنولوژی جهت شکوفایی اقتصاد و صنعت نیست. در نتیجه، بسیاری از بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی کشور، متناسب با توسعه و پیشرفت جهانی گام برنداشته‌اند و در همه ابعاد رشد و توسعه متوازن کشور به مخاطره افتاده است. با توجه به این مسأله و از آنجا که نخبگان کشور، فضای مناسبی جهت

"مهمترین دلیل من برای خروج از ایران، نداشتن شغل است. ۶ سال در دانشگاه تحصیل کردم و با نمراتی عالی فارغ‌التحصیل شدم، اما الان شغلی ندارم. این یعنی هیچ!" این جمله یکی از جوانان ایرانی است که تصمیم دارد ماه آینده به کانادا مهاجرت کند.

مشکلات بی‌شمار اقتصادی کشور و رشد آنها در سال‌های اخیر سبب شده تا بسیاری از تحصیل‌کردگان، نیروهای متخصص و نخبگان علمی، بیش از گذشته به فکر خروج از کشور بی‌افتند. بر اساس گزارش دفتر سفارت استرالیا، میزان مهاجرت ایرانیان به این کشور نسبت به سال گذشته ۲۵۰ درصد افزایش یافته است. در حال حاضر، بسیاری از نخبگانی که در زمینه‌های علمی و پژوهشی کشوری و جهانی امتیاز آورده و جزو نفرات برتر هستند، تقاضای مهاجرت به خارج از کشور را دارند و این در حالی است که کشورهای خارجی با آغوشی باز از آنها استقبال به عمل می‌آورند. به گفته یکی از نخبگان ایرانی که چند سال پیش در المپیاد جهانی فیزیک، مدال طلا کسب کرده بود، پس از برگزاری آزمون، از چندین دانشگاه معتبر جهان همچون دانشگاه‌های آکسفورد و هاروارد پیشنهاد اقامت با دستمزد ماهانه بسیار بالا دریافت نموده بود.

### تحریم‌های علمی، یکی از مهمترین دلایل

یکی از مسایلی که اقتصاد و صنعت کشور را به شدت



در حال حاضر، سالانه معادل ۰/۲۵ درصد جمعیت تحصیلکرده و متفکر کشور از ایران خارج می‌شوند. اما متأسفانه برخی از کارشناسان نه تنها این حجم خروج از کشور را امری نکوهیده نمی‌دانند که حتی آن را مایه رشد و ترقی اقتصاد کشور بیان می‌دارند. به اعتقاد این گروه، نخبگان که تقاضای خروج از کشور را دارند، با بهره‌گیری از علم و دانش تراز اول جهانی، می‌توانند با برگشت به کشور، اقتصاد ملی را متحول کنند، اما آمارهای جهانی، مسأله دیگری را بیان می‌کنند، چرا که تنها ۳ درصد از "مغزهای گریزان ایرانی" پس از اتمام تحصیلات به کشور باز می‌گردند.

عدم شایسته‌سالاری، وجود برخی فسادها و عدم توجه به تحقیق و توسعه از دلایل افزایش روزافزون فرار مغزها در کشور هستند. در بسیاری از کشورها همچون کشورهای حوزه اسکاندیناوی، نسبت اعتبارات تحقیقاتی به محصول ناخالص داخلی (GDP) معادل ۹ درصد است که متأسفانه این نسبت در کشور ما کمتر از ۰/۵ درصد است و این در حالی است که بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه، رقم مذکور باید به ۲ درصد می‌رسید. عدم توجه به علم، تکنولوژی و تحقیقات سبب کاهش GDP کشور شده که این کاهش، خودبه‌خود منجر به تنزل اعتبارات تخصیص یافته به مباحث تحقیقاتی می‌شود و تداوم این چرخه معیوب، اقتصاد کشور را مستأصل خواهد کرد.

### اجتماع

جدا از تبعات منفی اقتصادی فرار مغزها که کاهش GDP، قَلت بهره‌وری و عدم پویایی بخش تولیدی و خدماتی اقتصاد را منجر می‌شود، فرار مغزها منجر به بروز برخی مسایل منفی اجتماعی نیز می‌گردد. در سال‌های اخیر، بسیاری از کارشناسان حوزه مسایل اجتماعی، یکی از تبعات منفی پدیده

تولید داخل در قیاس با رقبای خارجی قیمت نامناسب‌تری پیدا می‌کند و از آنجا که هر مصرف‌کننده عقلایی بر اساس مطلوبیت خویش تصمیم به استفاده از یک کالا می‌گیرد، به دلیل کیفیت بالاتر و قیمت پایین‌تر، کالای خارجی را در اولویت قرار می‌دهد. این مسأله سبب می‌شود در میان‌مدت تولیدکننده داخل، بازار خود را از دست بدهد که این موضوع در کنار عدم بهره‌مندی از بازاری هدفمند، به کاهش درآمد بنگاه داخلی می‌انجامد. این کاهش، در سطح کلان به کاهش درآمدهای ملی و سرانه منجر می‌شود. از سوی دیگر به دلیل کاهش فروش، بنگاه داخلی برای حفظ و بقای خود در بازار، دست به تعدیل نیرو خواهد زد تا از این طریق به جبران هزینه‌های جاری خود بپردازد.

این مسأله سبب می‌شود تا علاوه بر رشد بیکاری، قدرت خرید در سطح کلان جامعه - به دلیل افزایش بیکاری و کاهش درآمد - کاهش یابد که تزریق رکود به اقتصاد کشور نتیجه آن خواهد بود. در کنار موارد فوق، افزایش واردات برای پاسخ به نیاز مصرف‌کننده را نباید از یاد برد که بر این اساس، اتکای هرچه بیشتر به درآمدهای ناپایدار نفتی، کاهش قدرت خرید و افزایش بیکاری، به همراه تنزل درآمدهای ملی و سرانه همگی تنها یک معنی دارند و آن، چیزی جز کاهش رفاه عمومی جامعه نیست. ■

بانک جهانی در گزارش دیگری بیان می‌کند که پس از وقوع انقلاب در سال ۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) رشد جمعیت ایران ظرف کمتر از سه دهه، ۸۰ درصد افزایش یافته است. افزایش بسیار زیاد جمعیت در ایران که غالب آنها از سال‌های ۲۰۰۰ به بعد وارد فضای کار شده‌اند و عدم تناسب عرضه کار با تقاضا در فضای اقتصادی و همچنین میانگین ۱۴/۳۳ درصدی تورم در ایران پس از انقلاب و مقایسه آن با نرخ ۵ درصدی تورم در کانادا - و البته یکسانی رشد درآمد ملی در هر دو کشور که نشان از کاهش قدرت خرید در ایران دارد - باعث شد بسیاری از ایرانیان با عنایت به وضعیت مناسب اشتغال کانادا (نرخ ۴ درصد بیکاری) تصمیم به مهاجرت به این کشور بگیرند.

### تبعات اقتصادی

متأسفانه هیچ‌گاه به صورت حرفه‌ای به اثرات زیانباری که پدیده فرار مغزها بر اقتصاد کشور وارد می‌سازد اشاره نشده است. علاوه بر تبعات اجتماعی فراوان و نامطلوب فرار مغزها، با وقوع این پدیده اقتصاد کشور از جهات گوناگون صدمه خواهد دید که جبران آن بسیار سخت خواهد بود. در حال حاضر از آنجا که رشد تکنولوژی در کشورمان متناسب با رشد جهانی نیست، با وقوع پدیده فرار مغزها،

### فرار مغزها در بستر ناامنی

## IQ نزولی

### فضای نامناسب کسب و کار، قوانین نامتعارف کار و عدم هماهنگی میان دانشگاه و صنعت، نرخ بیکاری را در میان قشر تحصیلکرده افزایش داده است.

این مسأله در بسیاری از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی حال حاضر کشورمان وجود دارد. نکته نگران‌کننده‌تر آن است که این اتفاق، تبعات منفی دیگری نیز به همراه دارد، چرا که به دلیل عدم برآوردهای نیازسنجی شغلی در اقتصاد - و از آنجا که فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها به نوعی به یک احساس سرخوردگی دچار می‌شوند - تمایل به ادامه تحصیل در این رشته‌ها و گرایش‌های مرتبط با آن تنزل پیدا می‌کند. در نتیجه با وجود این که تقاضا برای نیروی کار متخصص در چنین گرایش‌هایی به وجود آمده است، عرضه‌ای برای آن وجود ندارد. متعاقب این امر، علاوه بر آن که شاهد کاهش کیفیت خدمات ارائه شده در سطح جامعه خواهیم بود، بسیاری از افراد تحصیلکرده به این فکر می‌افتند که با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، جامعه ظرفیت پاسخ به نیازهای آنان را ندارد و در نتیجه برای رهایی از این وضعیت، راهی کشورهای خارجی می‌شوند.

در حال حاضر ۲۲/۸ درصد جمعیت کشور را جوانان ۲۰ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند. متأسفانه از این خیل عظیم، رقمی معادل ۲۰/۷ درصد بیکار هستند. اگر آمار فوق را با جمعیت ۷۰ میلیون و ۴۹۵ هزار نفری سرشماری سال ۸۵ کشور تطبیق دهیم، مشخص می‌شود که ۳ میلیون و ۳۲۷ هزار نفر از جوانان این کشور بیکار هستند که این موضوع بسیار نگران‌کننده است. این آمار با رشد جمعیت و افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی افزایش خواهد یافت. یکی از دلایل این حجم عظیم بیکاری را می‌توان به عدم نیازسنجی‌های شغلی در کشور مرتبط دانست. هیچ‌گاه در کشور ما به این موضوع که اقتصاد و صنعت در بلندمدت به چه تخصصی نیازمند است، اندیشیده نشده است. به عنوان مثال در حال حاضر، قشر عظیمی از فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی بیکار هستند. این مسأله از آنجا نشأت می‌گیرد که برآوردی از سطح تقاضای کار بیمارستان‌های کشور صورت نمی‌پذیرد. متأسفانه